



"An Analysis of the Component of Resistance in Hazrat Zainab's (AS) Sermon Based on Bakhtin's Theory of Dialogic Logic"

Asma Iranmanesh

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University.

Abstract:

One of the strategies and combat tools of the Imams (AS) and great figures throughout their lives is the delivering of sermons. By employing various linguistic and non-linguistic mechanisms, they sought to establish communication with the individual or individuals before them and engaged in interaction to defend the thought and ideals of Islam. One of the contemporary approaches to reading and critiquing texts is Mikhail Bakhtin's theory of "utterance" or "dialogic logic." Bakhtin has based his theory on components that play an effective role in the formation of speech and utterance. He considers speech to have a non-linguistic context and background, and studies speech within the realm of trans-linguistics. This article, using a descriptive-analytical method and with the aim of explaining the role of context in the orientation of Hazrat Zainab's (AS) sermon as well as achieving a more comprehensive understanding of it, examines her discursive components centered on "resistance" in the sermon, based on Bakhtin's theory of dialogic logic.

Keywords: The Sermon of Hazrat Zainab, (AS) The Theory of Dialogic Logic, Bakhtin, Resistance.



بررسی مؤلفه‌ی مقاومت در خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام بر مبنای نظریه‌ی منطق گفتگویی باختین

اسما ایرانمنش

0000-0003-4954-9267 

استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان.

چکیده

یکی از راهبردها و ابزارهای مبارزاتی ائمه علیهم السلام و بزرگان در طول حیاتشان، خطبه‌خوانی است. آنان با بهره‌گیری از سازوکارهای زبانی و غیرزبانی گوناگون، در پی برقراری ارتباط با فرد یا افراد مقابل برآمده و برای دفاع از اندیشه و آرمان اسلام، به تعامل پرداخته‌اند. یکی از رویکردهای نوین در خوانش و نقد متون، نظریه‌ی «گفتار» یا «منطق گفتگویی» میخائیل باختین است. باختین نظریه‌ی خود را بر مؤلفه‌هایی استوار کرده که در شکل‌گیری سخن و گفته نقش مؤثری دارند. وی گفتار را دارای زمینه‌ی غیرزبان‌شناختی و بافت می‌داند و در حیطه‌ی فرازبان‌شناسی به مطالعه‌ی گفتار می‌پردازد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین نقش بافت در جهت‌گیری خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام و نیز فهم جامع‌تر آن، به بررسی مؤلفه‌های گفتاری ایشان با محوریت مقاومت در خطبه، بر اساس نظریه‌ی منطق گفتگویی باختین می‌پردازد.

واژگان کلیدی: خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام، نظریه‌ی منطق گفتگویی، باختین،

مقاومت.

مقدمه

برای درک بهتر و دقیق‌تر یک متن یا گفتار باید فضای صدور آن و عواملی را که در تولید آن نقش داشته‌اند بررسی کرد. یکی از متونی که امروز به دست ما رسیده، خطبه‌های بزرگان دین است که با توجه به شرایط صدور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فهم دقیق و صحیح روایات ائمه علیهم‌السلام تابع شناخت فضای صدور روایت از قبیل مکان، زمان، سبب صدور و دیگر قرائن تاثیرگذار در فهم روایات می‌باشد. از این رو باید به بررسی فضای فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زمان صدور یک روایت و اندیشه‌هایی که در این فضاها حضور داشته، پرداخت تا بتوان نقش آن‌ها را در تولید و پیدایش یک روایت نشان داد و به تبع آن، راه را برای فهمی دقیق‌تر باز نمود.

در این راستا روش منطق گفتگویی باختین یک مدل است که در آن مؤلفه‌های گفتار، بررسی شده و به بازسازی محیط، سیاق، عناصر دخیل و شرایط صدور و تولید روایات برای فهم بهتر آن کمک می‌نماید. یکی از اهداف این روش آن است که نشان دهد یک متن ناظر به چه گفتارها و رفتارها و یا متونی بوده و با چه هدفی ایجاد شده است، اگر چه اثری از آن‌ها در متن نباشد.

باختین گفتار را موجودیتی فراتر از زبان‌شناسی معرفی کرده و در پی کشف عوامل تشکیل‌دهنده‌ی یک گفته یا سخن است؛ عواملی که خود را در فهم یک سخن نشان داده و با بازسازی فضای صدور و توجه به شرایط تولید یک گفته، سعی در نشان دادن سهم هر یک از مؤلفه‌ها در تشکیل و فهم گفتار دارد. منطق گفتگویی محصول نگاه اجتماعی به



زبان است. همچنان که به گفته‌ی فوکو «سلطه در زبان، تولید و بازتولید می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۴ش، ۱۱).

با این تفاسیر خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام در شام یکی از این نمونه‌هاست که حضرت در آن، ضمن به چالش کشیدن سخنان و نسب یزید، به بیان عقاید خود در پرتو مقاومت و پیروزی پرداختند.

این مقاله با هدف شناخت بهتر و جامع‌تر متن خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام و با استفاده از روش‌های نوین، دست به خوانشی جدید از این خطبه زده و مؤلفه‌های گفتار باختین را در این خطبه بررسی کرده، به پاسخ تفصیلی سؤال ذیل می‌پردازد که نقش مؤلفه‌های منطق گفتگویی باختین در فهم بهتر متن خطبه‌ی حضرت چیست.

ناگفته نماند که در پژوهش حاضر تنها از بحث مؤلفه‌های گفتار باختین بر طبق فصل چهارم کتاب منطق گفتگویی به نام «نظریه گفتار» از تزوتان تودوروف استفاده شده و به مباحث و نظریات دیگر باختین همچون مدل کارناوالی و چند صدایی و چند آوایی اشاره نشده است.

همچنین نیازمند یادآوری است که مقالات بسیاری از روش باختین استفاده کرده‌اند که یکی از مهمترین آنان با رویکرد اسلامی، مقاله‌ی «نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین» (۱۳۹۹) از ستاری و مجیدی است که مؤلفه‌های گفتگویی باختین را در خطبه‌ی قاصعه‌ی امام علی علیه السلام بررسی کرده است. اما این روش بیشتر



بر روی متون ادبی کار شده و پژوهشگران، کمتر از این روش در متون اسلامی و تاریخی استفاده کرده‌اند.

در مورد خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام پژوهش‌های بسیاری صورت پذیرفته، اما تا به حال از زاویه‌ی نظریه‌ی منطق گفتگویی باختین مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱. درآمدی بر نظریه‌ی گفتار یا گفتگومندی باختین^۱

باختین از اندیشمندانی است که به سخن، نگاهی فراتر از کلمه و واژه داشته و گفتار را تک بعدی و در سطح قواعد واج‌شناسی نمی‌داند. وی معتقد است زبان‌شناسی ابزاری برای دستیابی به اهداف فرازبان‌شناسی است. از نظر او زبان‌شناسی با کلمات و قواعد نحوی آغاز شده و به جمله منتهی می‌گردد. اما مطالعه‌ی فرازبان‌شناختی با جملات و زمینه‌ی اظهار آغاز می‌شود و به گفتار می‌انجامد. در واقع باختین به سخن و گفتار، فراتر از یک جمله نگاه می‌کند و معتقد است گفتار بخشی پنهان با خود دارد که برای درک درست یک سخن باید به بازسازی شرایط صدور و آواهای گوناگونی که در به وجود آمدن آن مؤثرند، توجه کرد.

۱. قابل ذکر است که معرفی این نظریه و مؤلفه‌ها و شاخص‌های گفتار در این قسمت برداشتی آزاد از فصل چهارم کتاب منطق گفتگویی میخائیل باختین نوشته تزوتان تودوروف است و فقط به نظریه گفتار از این کتاب پرداخته شده و وارد بقیه نظریات باختین نشده است.

باختین گفتار را تنها ماده‌ی زبان‌شناختی ندانسته و آن را دارای زمینه‌ی اظهار که غیرزبانی است می‌داند؛ زمینه‌ی غیرزبانی گفتار از نظر وی شامل افق مکانی- زمانی (کرونوتوپ) و موضوع مورد بحث هم سخنان، دانش مشترک و ارزیابی مشترک یا رابطه‌ی افراد هم کلام است.

وی مهمترین خصلت گفتار را اجتماعی بودن آن دانسته و آن را ناشی از دو چیز می‌داند: گفتار که همواره خطاب به کسی ایراد می‌شود و گوینده که خود موجودی اجتماعی است. از این سخن باختین نقش گوینده و مخاطب در شکل‌گیری گفتار مشخص می‌شود. یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که باختین در شکل‌گیری گفتار برشمرده، جنبه‌ی ارزشی گفتار و نقش افق ایدئولوژیک گویندگان و شنوندگان گفتار است.

وی دو ویژگی حالت (حرکت دال‌تگرانه‌ی بدن) و آوا را جزء امکانات غیرزبانی برای بیان ارزش‌ها و قضاوت ارزشی را جزء افق‌های مشترک هم‌سخنان معرفی می‌کند. همچنین آهنگ را که از تماس مستقیم گوینده و شنونده حاصل می‌شود، جزء ویژگی‌های زبانی بیان آوایی در ارزیابی اجتماعی می‌داند. او همچنین نقشی دوگانه برای آهنگ در نظر می‌گیرد که یا به سوی شنونده است برای ایفای نقش موافق و شاهد، یا به سوی موضوع گفتار است؛ آن گونه که گویی این موضوع شرکت‌کننده‌ی سوم و حاضر در گفتار است.

ویژگی بعدی گفتار از نظر باختین، ارتباط هر گفتار با پاره گفتارهای پیشین است که این مناسبات را روابط بینامتنی می‌نامد.





در نهایت باختین پنج مشخصه‌ی بنیادی برای گفتار معین می‌کند: وجود حد و مرز در گفتار که با تغییر عاملین گویندگان همراه است، کمال درونی هر گفتار، گفتار بیانگر فاعل خود است و در سخن شفاهی آهنگ بیانگرانه‌ی شخص است، گفتار در مناسبت با گفتارهای گذشته و آینده شکل می‌گیرد و در نهایت گفتار خطاب به کسی ادا می‌شود. سه عامل نیز در تعیین کمال گفتار نقش دارند: در سطح موضوع که کامل پرداخته شده باشد یا قصد کلامی گوینده ایفا شده باشد و یا اشکال نوعی گفتار (ر.ک تودوروف، ۱۳۷۷ش، ص ۸۹-۱۱۷).^۱

۲. تحلیل مؤلفه‌های گفتار باختین در خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام

باختین معتقد است که برای فهم بهتر یک سخن باید به بازسازی فضایی که گفتار در آن تولید شده، پرداخت و مؤلفه‌های گفتار را بررسی نمود. در ادامه مؤلفه‌های گفتار در خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام واکاوی و تحلیل شده و سپس به بازسازی فضای صدور پرداخته خواهد شد.

۱. برای اطلاع بیشتر درباره‌ی نظریه‌ی منطق گفتگویی باختین به مقاله‌ی «کاربست نظریه منطق گفتگویی باختین بر مناظرات امام صادق علیه السلام» از نگارنده مراجعه شود.

۱.۲. مکان و زمان

یکی از مؤلفه‌های اصلی در نظریه‌ی گفتار باختین مؤلفه‌ی زمان و مکان است. در واقع بازتاب زمان و مکانی در تشکیل یک گفتار نقش مهمی دارد.

در مفهوم کلی، مؤلفه‌های مکان و زمان در منطق گفتگویی به معنای صدای زمانه در متن است؛ صدای عصر و شرایطی که گوینده یا نویسنده در آن زندگی می‌کنند. همچنین به معنای عدم اجتناب و فاصله‌ی آفریننده‌ی متن از زمانه‌ی خویش است (ستاری-مجیدی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲۷). متونی که دارای ویژگی گفتگوامندی باشند، بحث مکان و زمان زندگی جامعه‌ی خود را مشخص می‌کنند (نامور مطلق، ۱۳۷۸ش، ص ۴۰۹).

در منابع^۱ آمده است که خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام در شام و در دربار یزید افتاده است؛ لذا بدیهی است که بسیاری از درباریان و نزدیکان، مسئولان و سربازان یزید در آن مکان حضور داشته باشند و حضرت در این مکان شروع به سخنرانی کنند. از این رو حضور جمع کثیر آنان در گرد یزید در شکل‌گیری گفتار حضرت نقش بسزایی داشته و مسلماً تأثیر خود را در نحوه‌ی ارائه و گزینش موضوع گفتار حضرت داشته‌اند. در چنین مکان و موقعیتی طبیعی است که ترس از حاکم و اطرافیان بر انسان مستولی شود اما حضرت با مقاومت و بدون در نظر گرفتن موقعیت خطرناکی که در آن هستند، شروع به سخنرانی می‌کنند.

۱. سید بن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۱۸۵.



همچنین چون این سخنرانی از نظر زمانی بعد از حادثه‌ی عاشورا است، بسیار طبیعی است که آغاز سخن و یا پرسش و پاسخ حضرت علیه السلام و یزید پیرامون این مسأله باشد. لذا موضوع مورد مناظره بین حضرت علیه السلام و یزید تحت تاثیر مکان و زمانی که در آن قرار گرفته‌اند، حادثه‌ی عاشورا انتخاب شده است. در واقع حضرت زینب علیها السلام با وجود از دست دادن امام و برادر و فرزندان و خویشان و عزیزان بسیار در حادثه‌ی عاشورا و شکست ظاهری، همچنان استوار و مقاوم، خطبه ایراد می‌کنند. لذا زمان، نقش خود را در تولید آوای مخالف توسط گوینده در جهت رد سخنان شنونده نشان می‌دهد. همچنین با توجه به نقش این دو مؤلفه باید گفت که حضرت علیها السلام بسیار واضح، صدای زمان و مکان ایراد خطبه را در گفتارشان بازتاب داده‌اند.

۲.۲. گوینده، مخاطب، موضوع

وجود گوینده و مخاطب مهمترین قسمت نظریه‌ی گفتار باختین است. وی حضور مخاطب را در یک مکان، اجتماعی می‌داند که با حضور او اولین شرط تشکیل گفتار تحقق می‌یابد. باختین از گوینده یا گویندگان و مخاطب یا مخاطبان به عنوان هم‌سخنان یاد می‌کند که حضور هر دو برای تولید گفتار الزامی است. این موضوع، مبانی اصلی نظریه‌ی باختین را تشکیل داده که شامل سه مؤلفه‌ی فرستنده، پیام و گیرنده است. از نظر وی فرستنده دائماً در حال ارسال پیام به گیرنده می‌باشد.



در خطبه‌ی یاد شده، گوینده، حضرت زینب علیها السلام است و شنونده، یزید و اطرافیان وی. در گفتگویی که بین آن‌ها صورت می‌پذیرد، دو طرف خطبه، یکدیگر را می‌شناسند و با توجه به شناخت و دانش زمینه‌ای که از قبل نسبت به یکدیگر داشته به انتخاب موضوع و واژگان و حتی القاب می‌پردازند. گذشته از مخاطب مورد نظر، حضور افراد دیگر در تولید آوای گویندگان نقش دارد و سهمی از گزینش موضوع گویندگان را به عهده می‌گیرد. آواهای مختلف رقیب مخاطبان باعث موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی متنوعی می‌شوند و می‌توانند بدون داوری و به طور مساوی در گفتگو درگیر شده و در انتخاب موضوع تأثیر بگذارند (مقدادی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵۲).

اما گفتار از سویی ناظر به گوینده است و شناسایی گوینده و افق ایدئولوژیک او را در پی دارد. حضرت علیها السلام به عنوان رهبر کاروان اسرا که از جنگ به ظاهر شکست خورده می‌آیند، در گفتار خود بسیار شجاعانه به نقد یزید و اعمال و نسب او پرداخته و شرافت خانوادگی خود را یادآور می‌شود و با ارائه‌ی این خطبه، گفتمان پیروزی و مقاومت را رقم می‌زند. این سخنان حضرت علیها السلام را می‌توان پیام تلقی کرد؛ پیامی دینی، سیاسی و فرهنگی با محوریت پیروزی و مقاومت که به سوی همه‌ی گیرندگان حاضر در آن جلسه ارسال می‌شود. لذا در اینجا نقش مخاطب یا مخاطبان در شکل‌گیری گفتار گوینده به وضوح مشخص است. در واقع این ارزیابی شخصیت مخاطب و فضای حاکم بر گفتمان حاضر، پیشاپیش موضوع گفتار را برای گوینده، مشخص می‌کند.



۳.۲. حد و مرز و کمال درونی

دو ویژگی دیگری که باختین برای گفتار مشخص کرده، وجود حد و مرز و کمال درونی یک گفته است. تمام گفتارهایی که در طول خطبه‌ی حضرت علیه السلام رد و بدل شده، حدود مشخی دارد. اولین راه شناخت آن نیز تکمیل واژگان سخن و تکمیل معناست. جملات به صورت کامل مطرح شده و هر کلمه در جای خود قرار گرفته همچنان که معنا نیز همزمان با تکمیل جمله کامل شده و هیچ نارسایی ندارد.

توجه به این نکته ضروری است که حضرت علیه السلام بدون این که وارد استدلال طولانی با طرف مقابل شود با طرح پرسش از وی، او را محکوم می‌کند. این موضوع علاوه بر این که حاکی از طرز استدلال حضرت علیه السلام و زبردستی ایشان نسبت به طرف مقابل است، نشان‌دهنده‌ی استفاده‌ی ایشان از گفتار ساده و کوتاه و عدم استفاده از استدلال‌های پیچیده و غیرعادی است که برای همه‌ی حضار محسوس و قابل درک باشد. لذا هر گفتار هر چند ساده و یا کوتاه، چون از حد و مرز درونی و تکامل برخوردار باشد می‌تواند نقش خود را جریان یک مکالمه بازی کرده و گوینده را به هدف مورد نظر برساند.

باختین سه راه برای شناخت کمال درونی گفتار نام برده که در مناظرات حضرت علیه السلام به خوبی دیده می‌شود. در واقع این مناظرات هم از نظر شکل نوعی گفتار کامل بوده و هم به موضوع مورد نظر به صورت کامل پرداخته است. از طرفی مقصود گوینده نیز از ایراد سخن به تحقق پیوسته و این مورد در گفتار رد و بدل شده، به وضوح مشهود است. لذا فرایند تولید

گفتار هم از نظر زبان‌شناسی و هم معناداری و هم رسیدن به هدف که بیان مقصود گوینده است، کاملاً شکل گرفته است.

۴.۲. بینامتنیت

ویژگی مهم و بنیادی دیگری که باختین در منطق گفتگویی بسیار روی آن تأکید دارد، روابط بینامتنی است؛ یعنی روابطی که می‌تواند بین یک گفتار و گفتارهای قبل وجود داشته باشد. در واقع هر گفتار ناظر به گفتارهای از قبل تولید شده و آوایی است که از آن‌ها با خود دارد. این موضوع، یک امر اجتناب‌ناپذیر و دائمی در فرایند تولید یک گفته یا سخن است. مراد باختین از گفتگویی بودن متن، در درجه‌ی اول این است که خود متن با آثار پیش و پس از خود توان و امکان گفتگو داشته باشد، چون زمینه‌ی مکالمه مرزی ندارد. همچنین گفتگویی بودن آثار نشان می‌دهد که این آثار به صورت آبی و یا در خلأ و بی‌سابقه آفریده نمی‌شوند، بلکه در تعامل و پیوند و ارتباطی وثیق با آثار پیشین خود خلق می‌شوند و بر آثار بعد از خود نیز تأثیر می‌گذارند (لطیف‌پور و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۱۰۲).

در این خطبه، حضرت علیها السلام در گفتار خود از متون یا گفتارهای پیشین استفاده کرده که نقش آن در شکل‌گیری گفتار جدید مشخص است. ایشان از این امر در جهت تقویت آوای خود بهره‌جسته و در چندین مورد به استناد از آیه‌ی قرآن می‌پردازد. به عنوان نمونه حضرت به آیه‌ی «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُوا السُّوءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»





(روم: ۱۰) اشاره می‌کند (داوودی و رستم نژاد، ۱۳۸۸ش، ص ۵۹۲). ایشان آفرینش سخن خود را با آوای کتاب مسلمانان قرین ساخته و محور و معیار گفتار خود را نشان می‌دهد و از این طریق پیوند خود با قرآن را یادآوری کرده و در جهت تقویت استدلال و گفتمان خود از آن بهره می‌برد. در ضمن این که با استفاده از این آیات به تقابل با آوای رقیب زمان خویش و گفتمان آنان می‌پردازد.

لذا حضور متون و گفته‌های از قبل موجود، در ایراد و تولید گفتارهای جدید در مناظره غیرقابل انکار است. هر گفتار به ناچار ردپایی از گفتارهای ماقبل را چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه با خود دارد که در شکل‌گیری گفتار بعدی مؤثرند.

۵.۲. حالت، آوا، آهنگ

توجه به مؤلفه‌های حالت، آوا و آهنگ چه در بحث زبانی و چه غیرزبانی و بافت، تأثیر زیادی در بازسازی فضای تولید گفتار دارد. باختین کارکرد اجتماعی زبان و محتوا را هم‌سنگ جنبه‌های زیبایی‌شناسی و زبان اثر می‌داند (پاینده، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲). این که حضرت ﷺ در قسمتی از سخن خود به ایراد سؤال پرداخته و یا از افعال پرسشی در شکل‌گیری زبانی گفتار استفاده کرده، نشان از غلبه و برتری تفکر و گفتمان ایشان است. از سوی دیگر علاوه بر مباحث زبان‌شناختی، نوع کنش و حالتی که حضرت ﷺ از مخاطب خود دریافت کرده‌اند فضای این برتری و غلبه را عیان می‌سازد. این که پایان بسیاری از سخنان حضرت ﷺ با سکوت، تحیر یا تعجب و شگفتی یزید به جای گفتار همراه بوده، تداعی‌کننده‌ی



فضای گفتگویی خطبه است که مخاطبان را به سوی حضرت علیها السلام جذب نموده و حضرت علیها السلام را در به چالش کشیدن طرف مقابل و آگاه ساختن مخاطبان موفق نشان می‌دهد. لذا توجه به حالات روانی و یا حتی جسمانی طرفین در گفتگو، ضروری به نظر می‌رسد. کما این که توجه به این حالات، فهمی کامل‌تر از متن و گفتمان غلبه را به همراه خواهد داشت و نشان از نبود پشوانه‌ی عقلی و استدلالی برای یزید دارد که نشان می‌دهد او در مقابل گفتمان حضرت علیها السلام عقب‌نشینی کرده است.

باختین گفتار را یا به سوی موضوع و یا به سوی شنونده، متمایل می‌دانست. به این ترتیب زمانی که حضرت علیها السلام با پرسش از یزید سخن خود را آغاز کرده یا ادامه می‌دهند، گفتارشان ناظر به موضوع سخن در حال گفتگوست. در واقع پرسش یکی از مهم‌ترین ارکان برای تداوم یک گفتگو محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸ش، ص ۹۳) اما آن هنگام که حضرت علیها السلام به بیان نسب و اعمال یزید می‌پردازند، گفتارشان ناظر به شنونده است؛ چرا که این نوع سخن گفتن و مضامین را با توجه به شرایط طرف مقابل برمی‌گزینند و این رابطه از آهنگ گفتار مشخص خواهد شد.

نتیجه

۱. نظریه‌ی گفتگومندی باختین یک مدل و الگوی کارآمد برای تحلیل و فهم بهتر متون است.
۲. استفاده از روش‌های جدید در خوانش متون کهن و دینی به فهم جامع‌تر این متون کمک می‌کند.
۳. بررسی مؤلفه‌های گفتار و در نظر گرفتن هر یک در شکل‌گیری یک سخن، بازسازی بافت و موقعیت فضای تولید سخن را در دل تاریخ در پی دارد و منجر به تعمیق فهم سخن می‌شود.

۴. بررسی هر یک از مؤلفه‌های گفتار باختین در خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام به آشکار ساختن آواهای جدیدی که خود را در متن و حاشیه‌ی مناظره پنهان کرده‌اند منجر شده و مقاومت و شجاعت حضرت زینب علیها السلام را بیش از پیش عیان می‌سازد.



منابع

*قرآن کریم

۱. احمدی، بابک. **باب ساختار و تاویل متن**، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷.
۲. انصاری، مسعود. **دموکراسی گفتگویی**، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳. ایرانمنش، اسما و همکاران. «کاربست نظریه منطق گفتگویی باختین بر مناظرات امام صادق علیه السلام»، **فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث سفینه**، ش ۸۲، ۱۳۹۳.
۴. پاینده، حسین. **گشودن رمان**، تهران: نشر مروارید، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵. تودوروف، تزوتان. **منطق گفتگویی میخائیل باختین**، ترجمه داریوش کریمی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶. داوودی، سعید و رستم‌نژاد مهدی. **عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها**، قم: امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۸.
۷. ستاری، الهه، مجیدی، حسن. «نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال هشتم، شماره ۹، ۱۳۹۹.
۸. سید بن طاووس، علی بن موسی. **اللهوف علی قتلی الطفوف**، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران: جهان، ۱۳۴۸.
۹. لطیف‌پور، عبدالله و همکاران. «منطق گفتگویی و چند صدایی در رمان «گورستان غریبان» ابراهیم یونسی»، **فصلنامه زبان و ادب فارسی**، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۹۶.
۱۰. مقدادی، بهرام. **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی**، تهران: فکر روز، ۱۳۹۳.



۱۱. نامور مطلق، بهمن. «باختین گفتگومندی و چندصدایی؛ مطالعه پیشابینامتیت باختینی»،
پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۷، سال ۱۹، ۱۳۷۸.

